

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش
۱۱ اکتوبر ۲۰۲۲

تداوم تبعات هفتم اکتوبر برای افغانستان و خلق ستمکش آن

دیرگامیست که سیمای خلق ستمکش، بی حقوق و در بند ما محزون و غمبار است و این روزها در تداوم جنایت امپریالیستی – ارتجاعی، انسانهای مظلوم این سرزمین به جرم انسان بی حقوق و بی دفاع بودن در اکناف کشور توسط جلادان طالبی، جهادی، داعشی امپریالیسم به اشکال مختلف از هستی ساقط می شوند. عوامل این ستمگری، کشتار، جنایت و خیانت در حق کشور و مردم ما و مردمان منطقه توسط هیولای امپریالیسم و دسته های اهریمنی، گسترده است. از میان قدرت های امپریالیستی متجاوز، توسعه طلب و آزمند در این جنگ، کشتار، جنایت، خیانت و تاراج، نقش امپریالیست های اشغالگر دیروزی و غدار امروزی در حق مردمان افغانستان و منطقه، در رأس، امپریالیسم امریکا، اساسی است. در این مختصر و به مناسبت ۲۱مین سالگرد تجاوز امپریالیستی هفتم اکتوبر امریکا – ناتو، به این موضوع می پردازیم و پیامد های آن را با ایجاز در جریان تعویض مزوران مرور می کنیم.

در ادوار مختلف تاریخ جوامع طبقاتی و در تداوم آن عملکرد خونین و ویرانگر استعمار و امپریالیسم سرگذشت انسان های ستمدیده و در بند صحنه هائی از ماجراجویی، اشغالگری، تجاوز، ستمگری ها، آشفته گی ها، کشتار ها، خشونت ها، شکنجه ها، به بند کشیدن ها، ویرانی ها، مهاجرت ها اجباری و ناهنجاری های فراوانی توسط طبقات و نیرو های ستمگر حاکم بومی کشورها و استعمار و امپریالیسم علیه بشریت معذب و تحت ستم، استثمار و تبعیض بوده است. مصاف ستمکشان با برده داران، با مالکان زمین، با سرمایه داران، با کشور گشایان، با فرمانروایان، با ثروتمندان، با ستمگران حاکم؛ با بنیادگرایان دینی و مذهبی، با تاجران مرگ (تروریستان و معامله گران مواد مخدر و مافیای بین المللی) و با حاکمان مستبد و مرتجع زورگویی اقلیت علیه اکثریت....

این همه جنایت ریشه در مالکیت خصوصی و بالاخر، در چند دستگی یا طبقه بندی های اجتماعی دارد که در جریان اعمال ستم طبقاتی، بشر را در چنبره مناسبات غیر عادلانه پیچانده است. غلبه يك اقلیت بر اکثریت از هنگامی آغاز یافته که جامعه به طبقات منقسم شده و حاکمان اقلیت و ستمگر با تملک خصوصی ثروت اجتماعی، اکثریت بی چیز و رنجبر را آماج تجاوز، ستم، استثمار و امیال آزمندانۀ خویش قرار داده اند. در ادوار مختلف تاریخ جوامع طبقاتی، در بر محور همین پاشنه چرخیده است و این موارد فوق هنجار این گونه جوامع بوده است.

اما در گام معینی از تکامل تاریخی انسان، استعمارگران و سپس امپریالیست های حریص به اشکال و ذرایع مختلف گلوی زحمتکششان را فشرده و خلق های تحت ستم را از حقوق حقه انسانی شان محروم ساخته و جهانی را در پی کسب ابرسود های خود اشغال و مردمان بومی کشور ها و سرزمین ها را به خاک و خون کشانده اند.

امپریالیسم غدار و قلدر امریکا و منادیان دموکراسی لیبرال و در کل نظام سرمایه داری ظالمانه تر از گذشته و با همان درنده خوئی مثل سابق به نام جهانی سازی به سرعت دارند بشریت را به نابودی می کشانند، به کشور ها و خلق های ستمدیده لشکر کشی می کنند، آتش و خون می آفرینند و جنگ های تجاوزی، رقابتی و نیابتی را گسترش می دهند. امروز جنگ افروزی امپریالیسم جهانی در مقایسه با دوران "جنگ سرد" به چندین برابر افزایش یافته است. هزینه های جنگ های نیابتی تحمیلی در گذشته و حال از مدرک استثمار نیروی کار زحمتکش و غارت داشته های خلق ها و کشور های مستعمره و نیمه مستعمره تحت ستم تأمین می شود. امپریالیسم، با سرمایه مالی اش، با ماشین جنگی اش و مزدوران مرتجعش از قماش القاعده، طالبان، داعش، النصره و... هر روز با تجاوزات عریان غیرمستقیم و مستقیم، در کشور های اوراسیا (اوکراین)، آسیا، (فلسطین، افغانستان، سوریه، عراق، یمن و لبنان و...) و در افریقا، انگولا، اریتره، اوگاندا، لیبیا، زمبابوی، مالی، زامبیا، کانگو و در امریکای لاتین تجاوز، تاراجگری و خشونت می کند.

در غارت ثروت خلق ها و جنگ افروزی و توسعه جوئی اقتصادی و نظامی و قتل عام خلق های بی گناه علاوه بر امریکا و همپیمانان ناتوی اش، میراث خواران سوسیال امپریالیسم در کرملن نیز شریک اند. پوتین متجاوز که ماه هاست خلق اوکراین را به خاک و خون کشانده و به کشور شان تجاوز کرده است. جنایتکاران و حاکمان چین و روسیه امپریالیستی و دول نوظهور مرتجع منطقه در نقش میدان فاشیست های طالب با دخالت های نظامی، استخباراتی و فنی - اطلاعاتی شان، به طور قابل ملاحظه به خصوص در کشور ما و سائر کشور های پیرامونی افزایش یافته است.

در حقیقت بعد از فرار قشون ناکام متجاوز ناتو از کشور اشغال شده ما، تعرضات امپریالیسم امریکا در اشکال مداخله و اشغالگری مستقیم بر سرنوشت خلق های بی دفاع ما، کارد را تا استخوان خلق مظلوم ما فرو برده و هر روز از آدرس آی اس ای با حيله و نیرنگ جلدانی را به جان مردم بی دفاع ما می تراشد و بر سریر قدرت نظام پوشالی می نشاند. امپریالیست های غربی با اتخاذ و پیشبرد سیاست های تفرقه افکنانه در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، قومی و مذهبی؛ شکافی را بین خلق اسیر کشور مورد تهاجم خود ایجاد می کنند که باعث بروز تضاد های نژادی، قومی، زبانی، سمتی، مذهبی و... می شود. چهار دهه به این طرف در میهن ما و کشور های منطقه این مداخلات بی شرمانه و تجاوزات عریان ادامه داشته است. در عین حال تضاد های امپریالیست ها بر سر تقسیم ثروت های ملل بیشتر از پیش حاد شده است که منجر به رقابت های مزید تسلیحاتی بین امپریالیست ها، جنگ افروزی و جنگ ها و رقابت منطقه ئی برای به دست آوردن غنایم کشور های اسیر و کنترل زمین و فضای کشور ها شده است.

در کشور ما امپریالیسم اشغالگر با تعویض مهره های سوخته که در سلاخی انسان ها، جنایت و خیانت شهره آفاق اند، به تکرار از هفتم اکتبر ۲۰۰۱ تا همین اکنون نتوانسته خشم خلق ما را فرو نشانند و ملت ما را سرکوب کند، بلکی توانسته است ناامنی، گرسنگی، بیکاری و سائر محرومیت ها و مصیبت های خلق کشور ما را تشدید کرده و زمینه ساز تدارک برای تخاصمات و جنگ های مزید نیابتی منطقه ئی و تخریب بیشتر سرزمین ما و ملل دربند همراه با بحرانی ساختن وضع محیط زیست در افغانستان، منطقه و جهان شده است.

امروز ما شاهد تقابل خونین و تدارک برای جنگ های تجاوزکارانه مستقیم قدرت ها و ائتلاف های امپریالیستی در بسا ملل جهان هستیم که به طور فزاینده با صدور سرمایه، کالا و تکنولوژی مخرب، همراه با صدور (تروریسم، مواد مخدر، بنیاد گرائی اسلامی، ارتجاع دینی و مذهبی) برای سر زدن انسانی ها بی دفاع کشور ها اتفاق می افتد.

امپریالیسم، سرمایه و شبکه های تجاری اش انسان را به شکل کالای جنسی به شمول مواد مخدر به راحتی از تمام مرز های کشور های تحت سلطه مستعمره و نیمه مستعمره، توسط مافیای سازمان های اطلاعاتی، شبکه ها و باند های مافیائی با هزار و یک نیرنگ عبور می دهد. سود آفرینی منطق این کار است. قرار گزارش های رسانه های معتبر سالانه میلیارد ها دالر از این بابت بر سرمایه مافیائی افزوده می شود. این جنایت کماکان ادامه دارد. این یغماگران در سایه جنگ و ناامنی برنامه ریزی شده در کشور ها دست به غارت و چپاول می زنند. امروزه هر یکی از قدرت های بزرگ امپریالیستی به گونه ملموس و محسوس در نقش اربابان جهان با چنین ابزار ها، رویای رسیدن به اهداف درازمدت خویش یعنی سلطه بی رقیب سرمایه مالی را بر جهان در سر می پروراندند.

امپریالیسم راه برون رفت از بحران های اقتصادی و اجتماعی را در جنگ افروزی، صدور سلاح و ویرانی و قتل و کشتار خلق ها و سرکوبی آزادیخواهان و انقلابیون و زحمتکشان می جوید. امپریالیسم در پی سلطه بر جهان به تدارک جنگ های بی پایان مستقیم، غیر مستقیم یا نیابتی با همپیمانانش، با ابزار قتاله اش، با سازمان های جهنمی خود ساخته اش چون سازمان ملل و ضمایم آن، سازمان امنیت بین المللی، حقوق بشر و... مصروف نابودی بشریت و طبیعت و برهم زدن وحدت میان انسان و طبیعت است. به همین دلیل است که امپریالیسم جنگ افروزی را فقط برای سود جوئی خود مطرح می کند، و در برنامه ها و اهداف غارتگرانه اش، حق حیات انسان، حقوق بشر، کرامت انسانی و زندگی انسانی خبری نیست. با شعار های دموکراسی لیبرال، حقوق بشر و سائتر شعار های دروغین و فریبنده، همواره برای اغواء و گمراه ساختن مردمان کشور های تحت سلطه شان از آن استفاده کرده و می کنند.

امپریالیست های متجاوز و قاتل امریکا - ناتو در افغانستان بیست سال با تجاوز و اشغالگری هر آنچه در توان داشتند، با ابزار و روش های مختلف نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اطلاعاتی خواستند مردم ما را با نظام های ذاتاً فاسد و پوشالی مزدور با ترکیب مزدوران جهادی، جنگ سالار و تکنوکرات و به ویژه فاشیست های افراطی مذهبی "مجاهد و طالب" و با دموکراسی و شریعت اغواء کرده و سرکوب کنند که با دریغ این جریان با تعویض مهره های خسته و ناکارآمد با خون آشامان طالب، هنوز هم ادامه دارد؛ گاهی دموکراسی کذائی و زمانی خشن ترین نسخه شریعت.

این تنها کشور ما نیست. هیچ جایی از این جهان بزرگ از شر جنگ افروزی، تجاوز، تروریسم دولتی، کشتار و تروریست پروری امپریالیسم سلطه گر امریکا و شرکاء در امان نیست. امپریالیسم متجاوز امریکا و شرکای جرمش برای تحقق مقاصد غارتگرانه شان دست به هر عمل خصمانه علیه کشور ما زده و می زند و جنایات نابخشودنی علیه بشریت و طبیعت انجام میدهد و با حرص و آز بی پایان با پوشش دموکراسی قلابی و تحمیل هزاران مصیبت، فقر، بیکاری، تبعیض طبقاتی، تبعیض نژادی و جنسیتی، جنگ، ویرانی، کشتار و ستم را با ماشین جنگی ویرانگرش همراه با قتل عام، نسل کشی ها و غارت بر مهین ما و ملل جهان تحمیل کرده است. همین امپریالیسم جهانخوار از طریق شبکه های تروریستی، نظامی و مالی اش در کشور ما و اکثر کشور های جهان به گونه مستقیم و غیرمستقیم حضور دارد و قتل، غارت و جنایت می کند.

دیربست که امپریالیسم جهانی در رأس امریکای جنایت گستر با تحمیل سیاست مخرب نئولیبرالیسم بر زحمتکشان تحت ستم و استثمار کشور ما، بر کشور ها، دول، سازمان های اقتصادی و خلق های جهان؛ با پیشخوانه قدرت اقتصادی و نظامی، ترور، وحشت و بربریت؛ با تقویت تروریسم و افراطیت؛ با هولناک ترین وحشت و جنایت ضد بشری؛ آشکارا با خلق های جهان رسماً و عملاً اعلام جنگ داده است.

از کودتای ننگین هفت ثور پنجاه و هفت تا همین اکنون مزدوران و ستمگران چهار دهل اخیر از باند های جلاد "خلق و پرچم" تا جهادی ها، سران ملیشیا و مزدوران وارداتی تا طالب و داعش بر این کشور خیانت و بر خلق آن ستم و جنایت

کرده اند. چهل و سه سال است که خلق پابره‌نه ما در آتش جنگ‌های تجاوزکارانه و نیابتی مزدوران دول استعمارگر غرب و شرق جان می‌دهد و به امر امپریالیسم، نظام‌های برده‌منش و مزدور یکی پشت دیگری تعویض می‌شوند، جای عوض می‌کنند و بنا به دستور اربابان‌شان متحدانه دست به سلاخی می‌زنند. این ستمگران بومی چهار دهه و اند اخیر تاریخ کشور ما با غارت و ترور، انتحار و اختطاف، تجاوز به مال و جان مردم ستمکش ما میلیون افغان را از هستی ساقط ساخته و میلیون‌های دیگر را معلول، زخمی و آواره ساخته‌اند و خود در زیر پای استعمار و امپریالیسم صاحب مال و منال و قصرها و ویلاها شدند.

در هر نوبت و پس از هر تعویض، همین ستم‌گستران قدر در ازای خدمت به متجاوزان و اشغالگران با حمایت مالی دول درگیر امپریالیستی در هر شرایط از ترس محاکمه خلق افغانستان حفاظت می‌شوند. هر بار با هر هجوم و لشکرکشی سپاه متجاوزان و یا هم با تعویض و دست به دست شدن قدرت پوشالی، مهره‌های سوخته‌شان وحشت زده و هراسان از انتقام مظلومان چه در پایان تجاوز سوسیال امپریالیسم روسی و چه در زمان لشکرکشی امپریالیسم امریکا - ناتو خود را در حالت ذلت و زبونی زیر پای اربابان‌شان انداختند. حتماً وطنداران صحنه‌نمایشی توأم با ذلت و خواری خائنانی مثل سپینتا و حنیف اتمر را با چند خائن خائف دیگر در گوشه ویران میدان هوایی کابل با چهره‌های کریه‌گرد آلود را در انتظار دردناک طیاره دیده‌اند. چه منظره دیدنی! این سرنوشت همه مزدوران، خائنان و جبارانی است که به دشمن متجاوز خدمت، به میهن خیانت و به هم میهن ستم کرده‌اند.

همین جلادان "خلق و پرچم" و سلاخان جهادی و طالبی و حاکمیت دزدان و چپاولگران جهادی - ملیشئیایی - تکنوکرات‌های وارداتی؛ از پایدوها تا شاخدارهای ارگ غلامان؛ از مزدوران "جامعه مدنی" تا سران و افراد مورد اعتماد باند‌های تسلیم‌طلبان خیانت‌پیشه یکایک به اروپا، امریکای شمالی و سایر کشور‌های مغرض امپریالیستی پذیرفته شده‌اند و بدون تشویش از بازپرسی مردم و تاریخ در کمال آرامش و آسایش زندگی می‌کنند و نواله‌شان در آخور استخبارات دولت‌های امپریالیستی - ارتجاعی حواله است، اسپ‌شان در کمند و نان‌شان در کارخانه.

این خلق مظلوم و ستمکش افغانستان است که بعد از پشت سر گذاشتن قربانی‌های فروان، درد و رنج، باز هم در گرو نوع دیگری از مزدوران شریعتمدار امپریالیسم مثل باند تروریستی طالبان، داعش و مافیای مواد مخدر با نام قوم، قبیله، مذهب، زبان، توسط جلادان تربیت یافته سازمان‌های جاسوسی امریکا، پاکستان، ایران و... قربانی شده و جان می‌کنند.

جمعی از کوتوله‌های جهادی نظام پوشالی منحل‌غنی و عبدالله در کشور‌های امپریالیستی و یا هم کشور‌های تحت سلط امپریالیسم که میزبان‌شان بوده و هستند، با ناز و نعمت با بوق و کرنا ابراز موجودیت کرده و سهم خود از قدرت پوشالی را در کنار طالب می‌خواهند. این جماعت منافق جهادی دیروز و سنگر گرفته در پشت اقوام معین کشور، کماکان برای تفرقه و تبعیض نژادی، مذهبی، زبانی و ملیتی همچنان وظایف‌شان را در پیشگاه اربابان‌شان در نابودی هم‌میهنان درد کشیده ما صادقانه انجام داده، و به درگاه امپریالیسم لمیده و گوش به فرمان منتظر آتش افروختن و شعله ور ساختن و تشدید جنگ‌های نیابتی هستند. همین باند‌های فراری تبهکار مزدور و مرتجع جهادی - قومی با سائر بقایای رژیم ساقط شده غنی پس از فرار سپاه امپریالیست‌های متجاوز در مسابقه قدرت با برادران هم‌کیش و همسرشت طالبی‌شان کشور و مردم ستم‌دیده ما را در آستانه نابودی مطلق فرو برده‌اند.

این روزها به ادامه گذشته، مادر میهن شاهد ریختن خون و تکه پاره شدن فرزندان‌ش بوده و عزادار است. دلیلش این است که طی چند روز اخیر موجی تازه از خون و خشونت پیهم خفاشان و خون‌آشامان نظام دار تازیانه صد‌ها خانواده را از ملیت برادر هزاره ما به ماتم نشانده است. باز هم مردم گرسنه، پابره‌نه و به خون خفته ما در غم و ماتم فرزندان

برومند و آرزومند شان به جرم هزاره بودن، زن/دانشجو بودن و یا داشتن عقاید و تعلق خونی - قومی خاص، در کابل، مزارشریف، قندوز، بغلان، هرات و سائر شهر ها، غرقه در خون ساختند. این رویداد های خونین اخیر در کشور با هدف حمله بر اهداف معین قومی و زن ستیزی به دلایل شوونیستی، فاشیستی، نژادپرستی، برتری جوئی مذهبی - ایدئولوژیک و گروهی - قومی توسط فاشیست های طالبانی، از مصادیق "نسل کشی" توسط این باندیست ها است که مستلزم مستند سازی مستقلانه حقوقی است که دامنه بحث روی آن وسیع تر از این مقال است.

این بود محصول اشغال کشور ما در بیست سال گذشته که امپریالیسم جهانخوار هست و بود خلق ما را به یغما برد و آخر کار در موقعیت نیمه مستعمراتی کشور ما، زمام امور و مقدرات جمعی مردم ستمدیده ما را یک بار دیگر به دست مزدوران جلاد، فاشیست، شوونیست و تمامیت خواه طالبی اش سپرد تا با ایجاد فضای تار در کشور، در تاریکی جنایت و انکار کنند.

به قدرت و بر اریکه امارت نشاندن طالبان و وحشت و دهشت نوع هیتلری آنان در حق زنان و مردان تحت ستم افغانستان، نه اولش است و نه آخرش. به رغم جا به جایی و آمدن و رفتن مرتجعان؛ این مردم اند که جاودانی بوده و کماکان زنجیر های ستم بر دست و پای زحمتکشان کشور سنگینی می کند. این زنجیر ستم، فقط توسط خود ستمدیدگان به زنجیر جبر بسته و با آگاهی، انسجام و مبارزه آگاهانه و متحدانه شان پاره می شود و ستمکاران به جایگاه بایسته شان تقرب می یابند. به غیر از به پا ایستادن جمعی، روزنه نجات دیگری برای اجتناب از تن دادن دلتبار ستمکشان به ستم و نگهداری ستمکار، فراروی ستمدیدگان کشور کشوده نشده است.